



بازگشت مسلم

به همت گروه تحقیقاتی «احیا» کتابی در سال ۱۳۹۶ با نام «بازگشت مسلم» گردآوری شد که نشر معارف آن را در ۸۰ صفحه چاپ و منتشر کرد. این کتاب در پنج فصل به زندگی و خاطرات شهید مدافع حرم سیدمصطفی موسوی از زبان اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان و هم‌زمان می‌پردازد و با تصاویر دوره‌های مختلف زندگی شهید به پایان می‌رسد.

در این کتاب از زبان مادر شهید نقل شده است: بچه آرام و ساکتی بود. اهل دعوا و شرارت نبود. خودش به فکر درس و تحصیل بود و هیچ‌وقت برای شیطنت او در مدرسه مرا نخواستند. اصلاً یادم نمی‌آید که برای خواندن نماز صبح، او را صدا زده باشم. خودش شرعی‌اش را می‌دانست و نیازی به گوشزدکردن من نداشت. به امور واجب و شرعی حساس بود.

شوخ بود و با روحیه. اهل ورزش بود. آدم فعالی که برای ورزش صبحگاهی همیشه اولین نفر بود. اشتیاق سید مصطفی بقیه بچه‌ها را به وجد می‌آورد. به قشر طلبه احترام می‌گذاشت و درس طلبگی را دوست داشت. هیچ‌وقت نشنیدم که از طلبه بودن پدرش خجالت بکشد؛ بلکه افتخار می‌کرد. در یک مدرسه دینی ثبت‌نام کرده و چندماه‌ای مشغول تحصیل شده بود تا طلبه شود. من نمی‌دانستم؛ چون هیچ‌وقت از کارهایی که انجام می‌داد، حرفی نمی‌زد و همه این‌ها را بعد از شهادتش فهمیدم.



روایت داستانی از ذبیح فاطمیون

انتشارات آستان قدس رضوی «به‌نشر» کتابی به قلم «بتول پادام» را با عنوان «ذبیح» در ۱۴۳ صفحه منتشر کرده که درباره شهید رضا اسماعیلی است. به گفته نویسنده، کتاب هر فصل را در قالب زوایه دیدهای متفاوت روایت کرده و اوصاف شخصیت‌های داستان از جمله شهید رضا اسماعیلی، مادر، همسر، خواهر، دوست را از دیدگاه همان شخصیت بیان می‌کند. این اثر حاصل چند ماه گفت‌وگو و مصاحبه خانم پادام با مادر، همسر و خواهر شهید است که پس اتمام مرحله تحقیق، نگارش داستان‌های کتاب چهار ماه زمان برده است. نویسنده سعی کرده در این کتاب ذبیح فاطمیون را همان‌طور که هست نشان دهد؛ کسی که یک رضا اسماعیلی جوان امروزی ورزشکاری بوده که مثل همه افراد جامعه دغدغه کار و زندگی داشته و بعد از سفر به کربلا راهی سوریه می‌شود. نظر نویسنده کتاب این است که توانسته در اثرش نشان دهد شهدای مدافع حرم انسان‌های بعید و دست‌نیافتنی نیستند؛ بلکه بسیاری از آنان از میان اقشار عادی جامعه برخاسته‌اند که با خودسازی به سمت راه حق و حقیقت شتافتند. خانم پادام همچنین اشاره کرده که «ذبیح» دو خط روایت در داستانش دارد؛ یکی شهید رضا اسماعیلی و دیگری شخصیتی از جبهه داعش که برای این منظور با استفاده از کتاب «من در رقه بودم» شخصیت محمد الفاهم معروف به ابوزکریا را در مقابل ذبیح و فاطمیون ترسیم کرده است. محمد الفاهم اهل تونس است و از کودکی با مشکلات پرشماری مواجه بوده و با خانواده خود اختلاف دارد که در سن جوانی تصمیم می‌گیرد برای پیوستن به داعش راهی سوریه شود.

